

# خبرنامه جنبش

## دموکراتیک، سوسیالیستی و اجتماعی مردم ایران

### تاثیر جنبش دی ماه بر جنبش های مطالبه گر

جنبش دی ماه جرقه ای بود از مطالبات انباشته شده توده ها که خواسته های اجتماعی را به فضای مجازی و پس از آن در رسانه های جهانی منعکس نمود و صدای خاموش جنبش ها را بار دیگر فریاد کرد. جنبش دی ماه در عین ناکامی هائی که به همراه داشت اما از نتایجی هم برخوردار بود و بر فرآیند مبارزاتی جنبش های اجتماعی تاثیر گذاشت. مهمتر آنکه طرح مطالبات از درون جنبش به سطح جامعه آمد و به دو شکل صنفی و سیاسی فراگیر شد. فیلترینگ تلگرام که اخیرا در شورای امنیت ملی به تصویب رسید از دیگر نتایج جنبش دی ماه است! تبادل حجم عظیم اطلاعات حرکت های اعتراضی و مدیریت گروه ها و جریانات خارج از حاکمیت سیاسی که بیشتر از طریق خارج از کشور قصد داشتند بر این حرکتها تاثیر بگذارند و نیز افزایش شکل گیری حرکت های اعتراضی در کف خیابانها، که اخبار آن در فضای مجازی گسترش یافت، نهادهای امنیتی و شورای امنیت ملی را به این نتیجه رساند که به ابزار فیلترینگ متوسل گردد. امری که دولت روحانی ابتدا آنرا مذموم می دانست! فیلترینگ فضای مجازی که در دی ماه به اوج خود رسیده بود، باعث گردید تا دهها فعال در فضای مجازی دستگیر شوند و به همان نسبت هم کانالهای تلگرامی بسته شد و روابط فعالین فضای مجازی با مخاطبین و اعضای کانال دچار اخلاص گردید، گسترش فیلترینگ در سطح فضای مجازی و متعاقبا ریزش نیروها و مخاطبین کانالهای تلگرامی و... ثابت می کند که ارتباطات کانالها و فعالین فضای مجازی با مخاطبین و دیگر فعالین اجتماعی از یک رابطه مستمر برخوردار نیست. هجمه حاکمیت به فضای مجازی و قلع و قمع نیروها در این عرصه باعث گردید که فعالین فضای مجازی را به تامل وادارد تا به بعضی سوالات اساسی پاسخ دهند؛ چرا ارتباط با مخاطبین و تحقق هدف «راهبری حرکت های اعتراضی» به انجام نرسید؟ آیا فضای مجازی ظرفیت راهبری حرکت های اعتراضی را دارد؟

از آنجا که مخاطبین در فضای مجازی سیالیت دارند و از ارتباطات مشخصی تبعیت نمی کنند، باعث می گردد که حتی کار تئوریک در فضای مجازی با محدودیت های زیادی همراه باشد! مضافا چرخه تحولات اجتماعی در ایران سرعت بالائی دارد و مبنای تئوریک تاکنون نتوانسته اند به این مطالبات انبوه و متنوع پاسخ منسجم و این زمانی بدهند. کار تئوریک خصوصا در فضای مجازی تابع شرایط عینی نیست، بنابراین به محض آنکه وقایع مشابه دی ماه بوجود آید، اکثر اتاقهای فکر فاقد نظرات تئوریک و متناسب با شرایط عینی هستند و این موضوع نشان میدهد که فضای مجازی نمی تواند با این شیوه در کار تئوریک به ضرورت های اجتماعی پاسخ بدهد.

از دیگر نتایج جنبش دی ماه؛ تغییر شکل سرکوب و سیستم پلیسی نهادهای امنیتی در رابطه با اعتراضات است. بی تردید حاکمیت در بخش قابل توجه ای از اعتراضات خیابانی از ابزار سرکوب بهره گرفت خصوصا در رابطه با اعتراضات کارگران، مالباختگان و... اما طی دو ماه اخیر مابین جناح بندیهای حاکمیت نسبت به شیوه برخورد با اعتراضات صنفی اجماع وجود نداشت و در استفاده از ابزار سرکوب بعنوان شیوه مهندسی حرکت های اعتراضی تردید بوجود آمد. طرح مطالبات انباشته شده و گسترده حرکتها باعث گردید تا در کنار بهره گیری از اهرم زور و سرکوب، طرح تعیین مکانهای جهت اعتراضات اجتماعی بعنوان رویکرد ثالث مطرح شود. تحلیل گران جمهوری اسلامی نیز به این مسئله پی برده اند که جنبش دی ماه «سرکوه یخی» است که از آب بیرون زده! و از آنجا که جنبش های اجتماعی به مطالبات خود دست نیافته اند، بنابراین امکان شکل گیری دوباره حرکت های اعتراضی همچون دی ماه و بلکه گسترده تر از آن محتمل است. و نهادهای امنیتی در حاکمیت با این پیش بینی به دنبال روش هایی در برخورد با اعتراضات خیابانی و مدیریت آن هستند. و در آینده باید دید که در کنار شیوه های موجود یعنی؛ دستگیری و زندان فعالین، تعطیلی دفاتر نهادهای صنفی مستقل و... حاکمیت می تواند تجمع در مکان های تعریف شده را بعنوان یک اقدام عملی پیش ببرد، مسئله ای که حتی نهادهای امنیتی نسبت به کنترل و هدایت آن تردید دارند! و این موضوع ثابت می کند که اعتراضات آتی نیز غیر قابل کنترل می باشد و حاکمیت برای مهندسی آن و حفظ وضع موجود «بغیر از ابزار سرکوب» هیچ راه حل دیگری ندارد.

یکی دیگر از تاثیرات جنبش دی ماه بر جنبش مطالبه گری ایجاد انگیزه و بالا بردن جسارت برخورد در عرصه عمومی و در مقابل سرکوب های سیستماتیک حاکمیت است. جنبش دی ماه مثل خونی بود که به رگهای جنبش های اجتماعی جاری گردید. نارضایتی کارگران و معلمان، زنان و فعالین مدنی و اقوام... از شکل تدافعی خارج گشت و بعضا حالت تهاجمی به خود گرفت. نهادهای صنفی در شرایطی قرار دارند که برای تحقق مطالبات خود به هشدار مسئولین حکومتی روی آورده اند؛ «و برای دستیابی به خواسته هایشان زمان تعیین کرده اند!». نمونه آن در بیانیه کانون صنفی معلمان و یا بیانیه ۵۰ انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاههای





کشور... دیده می شود که در پایان سال ۹۶ منتشر گردید؛ «... از نظر شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان، اسفند آخرین فرصت برای زمینه سازی، اجرا و تحقق مطالبات فوق از سوی مسئولان است در صورتی که خواسته های ما محقق نگردد یا وزیر و گروه تبلیغاتی وی بخواهد با هیاهوی رسانه ای مطالبات و معوقات را وارونه جلوه داده و تن به مطالبات ندهند و مجلس بودجه ضروری برای تحقق مطالبات را تصویب ننماید شورای هماهنگی به صورت سراسری، به برگزاری برنامه های اعتراضی در قالب تحصن و تجمع در هفته معلم اقدام خواهد نمود و اگر این بی توجهی چون گذشته ادامه یابد و با تهدید و برخوردهای قهری و زندانی کردن کنشگران بخواهند مطالبات برحق ما را تحت تاثیر قرار دهند حتی از برگزاری امتحانات پایان سال سرباز خواهیم زد تا با این روشها صدای حق طلبی سالیان نشنیده ی خویش را به گوش مسوولان و جامعه برسانیم. تاریخ و مکان اعتراضات طی بیانیه های بعدی به اطلاع همکاران عزیز بازنشسته و شاغل خواهد رسید».

کم نیستند گروه بندیهای اجتماعی که به خاطر انباشت مطالبات هر لحظه می توانند مثل بمب ساعتی منفجر شوند؛ «طی هشت سال در کشور ۶۷ درصد کاهش قدرت خرید بازنشستگان را شاهد بودیم و تورم بر مزد پیشی گرفته است. اکنون مشکل کارگران؛ ناامنی شغلی و قراردادهای موقت است... براساس آمار سازمان تامین اجتماعی حدود سه میلیون نفر از ۴۲ میلیون بیمه شده این سازمان را بازنشستگان و مستمری بگیران تشکیل می دهند و همچنین صندوق بازنشستگی کشوری هم بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار بازنشسته دارد».

از آنجا که در جنبش کارگری نیز مذاکرات سه جانبه نمایندگان زرد کارگری، کارفرمایی و نماینده دولت به نتیجه دلخواه نرسید، در سال جدید افزایش حداقل حقوق بعنوان یک اولویت مطرح میشود. مبنای سبد معیشت که بیش از دو میلیون و هفتصد هزار تومان پیش بینی می شود بعنوان کف مطالبات و سقف خط مطلق فقر است که جنبش کارگری در سال جدید به دنبال تحقق آن است. در مذاکرات سه جانبه خواسته کارگران تعیین حداقل دستمزد بر مبنای سبد معیشت نادیده گرفته شد (حداقل دستمزد ۱۹.۸ درصد بیشتر می شود و میزان افزایش دیگر سطوح مزدی ۱۲.۵ درصد خواهد بود). جنبش کارگری در سال جدید پتانسیل لازم مبارزاتی را دارد تا درکنار ارتقاء دستمزد، برای پرداخت سنوات، وضعیت کارگران سفید امضا و قراردادهای... نیز اقدام نماید. امری که رابطه مستقیمی با افزایش نرخ ارز، افزایش تورم، تداوم رکود اقتصادی و واردات بی رویه دارد.

### حداقل حقوق کارگران برای سال ۹۷ تعیین و تصویب شد

شورای عالی کار افزایش دستمزد کارگران را برای سال آینده (۱۳۹۷) تعیین کرد. بر اساس توافق سه جانبه در شورای عالی کار حداقل دستمزد کارگران از ۹۲۹ هزار و ۹۳۹ تومان سال ۱۳۹۶ به یک میلیون و ۱۱۶ هزار تومان افزایش یافت. نمایندگان کارگران مذاکرات سال ۱۳۹۶ را با پیشنهاد افزایش ۲۹ درصدی حداقل دستمزد آغاز کردند. آنها بر خلاف روال رایج تعیین حداقل دستمزد بر اساس نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی، خواستار لحاظ تورم سبد معیشتی در تعیین میزان افزایش دستمزد کارگری شده بودند. در مقابل نمایندگان کارفرمایان به دلیل شرایط دشوار تولید در ایران نرخ افزایش ۸.۵ درصدی را ارائه کرده بودند. تعیین حداقل دستمزد کارگری در ایران باید بر اساس نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی و تورم سبد معیشتی خانوار کارگری تعیین شود.

### سرکوب مزدی در ایران برای یک سال دیگر تمدید شد

اعضای کارگری شورای عالی کار که از تشکل های کارگری همسو با خانه کارگر انتخاب شده اند، از خواسته تعیین مزد بر اساس سبد معیشت عقب نشینی کرده و خواستار افزایش ۲۹ درصدی حداقل دستمزد شدند. اصغر آهنی از اعضای کارفرمایی شورای عالی کار این میزان افزایش را به زیان تولید خواند و از دولت خواست که مسئولیت خود را در افزایش هزینه خانوارهای کارگری بپذیرد. اعضای کارفرمایی شورای عالی کار در نشست های پیشین مذاکرات مزدی تامین هزینه مسکن، بهداشت و آموزش خانوارها را وظیفه دولت دانسته بودند. آهنی گفته بود که دولت حاضر به پذیرش سهم خود در افزایش هزینه های غیرخوراکی کارگران نیست. خبرگزاری های ایران میزان افزایش حداقل دستمزد را ۱۹.۸ درصد اعلام کردند که حدود ۱۰ درصد کمتر از آخرین رقم اعلام



شده از سوی اعضای کارگری شورای عالی کار است. با این میزان افزایش حداقل دستمزد کارگران ۱۸۴ هزار تومان افزایش می یابد و به رقم یک میلیون و ۱۱۴ هزار تومان خواهد رسید که کمتر از نصف مبلغ اعلام شده برای سبد حداقل معیشت و نزدیک به یک سوم خط فقر اعلام شده از سوی مجلس شورای اسلامی است. تشکل های مستقل کارگری که از مذاکرات مزدی حذف شده اند، پیش از این خواستار افزایش حداقل دستمزد به ۵ میلیون تومان شده بودند. بیش از ۵۰ تشکل کارگری مستقل از کارگران خواسته اند در صورت تصویب دستمزد کمتر از رقم اعلام شده، اعتراض های گسترده ای را سازماندهی کنند.

## دستمزد کارگران را دولت تعیین می‌کند نه نماینده کارگران و کارفرمایان

در تعیین دستمزد کارگران کشور، برای دولت علاوه بر نقش نظارتی، باید یک نقش کارفرمایی نیز در نظر داشته باشیم. چراکه دولت خود کارفرمای بزرگی در کشور است. عدم نقش‌آفرینی موثر این نمایندگان دلایل متعددی دارد. که یکی از آنها ناشی از وابستگی عمده این افراد به جریان سیاسی مستقر در وزارت کار است. یعنی در اکثر موارد بخش زیادی از نمایندگان کارگری با جریان سیاسی مستقر در خانه‌های کارگری همراه هستند. در حال حاضر نیز وزیر بخشی از حلقه جریان سیاسی در تشکلهای کارگری است. بنابراین مشاهده می‌کنیم که نقش نمایندگان کارگری در تعیین دستمزد اکثراً به تبعیت از دولت است. در حوزه کارفرمایی نیز به همین گونه است. و معمولاً نظر نمایندگان تشکلهای کارفرمایی در تعیین دستمزد، نزدیک به جریان سیاسی وزارت کار هستند. وابستگی تشکلهای کارگری و کارفرمایی باعث شده تا قدرت چانه‌زنی چندانی در برابر دولت نداشته باشند. مادامی‌که این نمایندگان نتوانند نظرات همکیشان خود یعنی کارگران و کارفرمایان را مدنظر نظر داشته باشند، همچنان نظرات دولت حرف اول را می‌زند.

ما در ایران مشاهده می‌کنیم دولت اصول و موازینی که غیر از نظرات خودش برای تعیین دستمزد باشد، نمی‌پذیرد. در این راستا، تلاش می‌کند تا نمایندگان کارگری و کارفرمایی را وادار به تبعیت از اصولی کند که خودش برای حقوق کارمندان پیگیری می‌کند. ما بعد از انقلاب نتوانسته‌ایم سازمان‌های کارگری و کارفرمایی قوی، استاندارد و دموکراتیکی را در کشور ایجاد کنیم. در حال حاضر، تشکلهای کارگری کمتر از ۲۵ درصد کارگران کشور را نمایندگی می‌کنند و این ضعفی جدی است. اکثر بنگاه‌های بزرگ ما مانند بنگاه‌های وابسته به صنعت نفت، خودروسازی و فولاد، فاقد تشکلهای کارگری هستند. بیشتر بنگاه‌های کوچک هستند که تشکلهای کارگری دارند. بنگاه‌های متوسط و بزرگ از داشتن تشکلهای کارگری محروم هستند. این موضوع نشان می‌دهد که نمایندگان تشکلهای حاضر در عین حال که دارای ویژگی‌ها و استانداردهای بین‌المللی نیستند، فراگیری لازم را به لحاظ اعضا و پوشش کارگران هم در کشور ندارند.

## وقتی با یک ساعت کار در هفته شاغل محسوب می‌شوید

مرکز آمار برای محاسبه شاخص‌های اشتغال و بیکاری به طور فصلی اقدام به آمارگیری می‌کند. یکی از ایراداتی که همواره به این نحوه آمار وارد بود، شاخص تعریف اشتغال است. مرکز آمار هر فرد را که در هفته قبل از آمارگیری حتی یک سال مشغول به کار بود، شاغل محسوب می‌کند. در سوالاتی که مرکز آمار در طرح آمارگیری نیروی کار از مردم می‌پرسد، معیار «حداقل یک ساعت کار» به عنوان تفاوت بیکار و شاغل آمده است. بر اساس این نوع آمارگیری، افرادی همچون کارگران ساده که کل هفته را کنار خیابان منتظر می‌مانند تا صاحب‌کاری به دنبال آنها بیاید و خرده‌کاری یا کار ساختمانی انجام دهند، شاغل محسوب می‌شوند. یعنی اگر کارگری از شنبه تا جمعه در کنار خیابان منتظر کار بماند و در این هفته فقط به مدت یکی دو ساعت در جایی مشغول به کار باشد، شاغل محسوب می‌شود، نه بیکار. استاندارد حداقل یک ساعت کار به عنوان اشتغال یک استاندارد بین‌المللی است!

## رضا شهبانی در پیامی از تمام کسانی که با حمایت هایشان برای آزادی‌ش تلاش کردند، قدردانی و تشکر کرد

رانندگان و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کمیته دفاع از رضا شهبانی، کمپین دفاع از رضا شهبانی، کارگران، دوستان، تشکلات کارگری، دانشجویان، بازنشستگان، زنان و مردان آزاده و نهادها و رسانه‌های حمایت‌کننده در ایران و جهان! از طرف خودم و همسرم ربابه رضایی و فرزندانم بابت تمام حمایت‌ها، محبت‌ها و پیگیری‌هایی بی‌نظیر و مداومی که در طی این سال‌ها در دفاع از من کرده‌اید از همه شما عزیزان قدردانی می‌کنم و همچنین فرارسیدن بهار طبیعت و غلبه‌ی روز بر شب و فرارسیدن دوباره زاینده‌گی و حیات طبیعت را به همه شما شادباش می‌گویم. اگر از کمر خمیده شده‌ام و به سختی نشست و برخاست می‌کنم، اگر از ناحیه گردن دچار آسیب شده‌ام و به توصیه پزشکان باید به زودی تحت عمل جراحی قرار بگیرم، اما محبت و پشتگرمی شما عزیزان همیشه مرا دلگرم کرده و می‌کند؛ اگر دچار مشکل افزایش فشار خون شده و هر چند روز یکبار به ناگهان به صورت اضطراری به ضرب قرص از عواقب جان‌گیر این مشکل جانکاه نجات پیدا می‌کنم و دیگر نمی‌توانم تنها باشم و باید همواره فردی در کنارم باشد که مبادا ناگهان در تنهایی جانم به خطر بیافتد اما یاد شما عزیزان مرا امیدوار به زندگی و حرکت می‌کند؛ اگر کلیه و مثانه و قلبم دچار آسیب جدی شده و لب و صورت‌م در اثر فلج بلز به کجی دچار شده به نحوی که تمام لحظات زندگی را با سختی و دشواری بسیار زیاد آغشته کرده است اما مهر و حمایت شما عزیزان مرا به زندگی سوق می‌دهد؛ اگر چه از کار اخراج شده‌ام اما دنیای بزرگی که آکنده از پشتگرمی به شما دوستان گرانقدرم است مرا به فرادهای روشن‌تر و بهتر امیدوار می‌کند. اگرچه در این سال‌های زجرآور حبس و اعتصاب و بیماری همواره با سخت‌ترین شرایط دست و پنجه نرم کرده و حتی ماه‌های زیادی اضافه بر مدت حبس در زندان محبوس نگه داشته شده‌ام اما همیشه حجم عظیم حمایت‌های شما برای من نیرویی پیش‌برنده بوده است. آنچه از تلاش و مقاومت و ادامه حبس و فشار با حفظ تمام و کمال پرنسیپ‌ها و شرافت کارگری و طبقاتی توسط من ادامه یافته است بدون دلگرمی و حمایت شما ممکن نمی‌بود.

## تنها راه نجات کشور، شنیدن صدای معترضان و پاسخ به مطالبات معوقه آنان است

کانون مدافعان حقوق بشر در ادامه گزارش‌های ماهانه خود به بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران در اسفند ماه ۱۳۹۶ پرداخت؛ در بخشی از این گزارش آمده که؛ ادامه این وضعیت، نتایج سهمگینی به بار خواهد آورد. تنها راه نجات کشور در شرایط خطری کنونی، شنیدن صدای معترضان و پاسخ به مطالبات معوقه آنان است. درصد بالای بیکاری، برنامه‌های غلط اقتصادی و اختلاس‌های نجومی، باعث گسترش روزافزون فقر در جامعه شده است. به‌همین علت در سال گذشته تقریباً هر هفته شاهد اعتراضاتی بودیم که ریشه اقتصادی داشت. ناکارآمدی دستگاه قضایی و عدم استقلال آن، باعث ناامیدی از اجرای عدالت و در نتیجه خشم بیشتر مردم شده... است.

اعتراض زنان ایرانی به حجاب اجباری... به خیابان‌ها کشیده شد و نام «دختران خیابان انقلاب» گرفت. تشکیل نهادهای موازی و استفاده از نیروی بسیج برای سرکوب منتقدان، تفاوت چشمگیر حقوق و مزایای دریافتی مدیران ارشد دولتی با سایر کارمندان و مهم‌تر از همه استبداد فکری بخشی از حکومت... باعث شده است تا حکومت در سراسر کشور قرار گیرد. بدیهی است که ادامه این وضعیت نتایج سهمگینی به بار خواهد آورد.

در این ماه بیش از شصت نفر بازداشت شدند که بازداشت‌شدگان عبارتند از چندتن از فعالین سیاسی، فعال صنفی معلمان، ۱۸ فعال حقوق زنان، فعال مذهبی منتقد نظام سیاسی ایران، چند تن از درویش گنابادی و عکاس خبری، ۵ فعال محیط زیست، فعال سیاسی نزدیک به محمود احمدی نژاد. همچنین بازداشت ۸ کارگر گروه ملی فولاد و بازداشت یک شهروند به دلیل آنچه که حضور در اعتراضات خیابانی در فلورجان می‌نامیدند. بازداشت عمار رحمانی- دانشجو، میترا بدرنژاد زهدی- شهروند بهایی، محمد داوری، بهنام نورمحمدی و حسین علی محمدی الوار از فعالین مدنی، و بازداشت ۹ فعال سیاسی و رضا پیشرو- خواننده موسیقی رپ ایرانی، حکایت دارد. همچنین برخی خبرها از بازداشت تعدادی از شهروندان ساکن در غرب ایران مانند شهرهای ماکو، مریوان، بوکان، نقده، پیرانشهر و ایلام به دلیل آنچه که همکاری با احزاب کردی مخالف حکومت نامیده شده و تعدادی از شهروندان ساکن در استان خوزستان حکایت دارد. چند نفر از افراد بازداشت شده پس از مدتی با تودیع وثیقه به صورت موقت تا روز محاکمه از زندان آزاد شدند...

## عبدالفتاح سلطانی، به طور موقت به اعتصاب غذای خود پایان داد

عبدالفتاح سلطانی در ششمین روز اعتصاب غذای خود در زندان اوین با انتشار نامه‌ای اعلام کرد که اعتصاب خود را متوقف می‌کند. ۳۶۰۰ تن از وکلا و فعالان مدنی و سیاسی از عبدالفتاح سلطانی خواسته بودند اعتصاب غذای خود را متوقف یا تعلیق کند. عبدالفتاح سلطانی ۲۹ اسفندماه در نامه‌ای از «تبعیض‌های ناروای حاکم بر زندان» نوشته و گفته بود «عده‌ای از زندانیان از جمله رانت‌خواران، اختلاس‌گران و وابستگان به قدرت از امتیازاتی برخوردار هستند که برای بسیاری از زندانیان عادی و (سیاسی - عقیدتی) در نظر گرفته نمی‌شود.» رد اعاده دادرسی، لغو حق مرخصی در ایام نوروز و به‌ویژه محروم ماندن از حق قانونی آزادی مشروط از جمله مواردی است که سلطانی به آن‌ها معترض است. او نوشته بود که برخلاف میل باطنی خود در اعتراض به این قبیل «رفتارهای ناعادلانه و تبعیض‌آمیز» از نخستین روز سال ۱۳۹۷ دست به اعتصاب غذا خواهد زد. سلطانی همچنین اعلام کرده بود که مسئولیت پیامدهای این اعتصاب غذا با حسن روحانی رئیس‌جمهوری اسلامی، صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه و سایر مقامات دستگاه اجرایی و قضایی جمهوری اسلامی است. در نامه ۳۶۰۰ تن از وکلا و فعالان مدنی و سیاسی خطاب به عبدالفتاح سلطانی آمده بود: «به همه ما و همه دوستداران خود و جامعه این امید را عیدی دهید که هنوز فرصتی برای تلاش‌های ما هست. بگذارید با امیدی دوباره، تلاش‌هایی هر چند تکراری اما استوارتر در این بازه زمانی، از سر گرفته شود.» آن‌ها از این وکیل زندانی خواستند که دست‌کم تا پایان فروردین سال جاری، اعتصاب غذا را متوقف و معلق کند. عبدالفتاح سلطانی در پاسخ به این نامه ضمن پذیرش درخواست آن‌ها ابراز امیدواری کرد که با جوی بی‌تنش، وکلا، حقوقدانان، نمایندگان مجلس، رؤسای کانون وکلای دادگستری مرکز، اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران و سایر فعالان مدنی و سیاسی بتوانند «اجرای عدالت و احقاق حق» را پیگیری کنند.

## شادباش نوروز به زندانیان سیاسی به دعوت سازمان عفو بین‌الملل بلژیک



گردهمایی در حمایت از زندانیان سیاسی ایران از سوی سازمان عفو بین‌الملل بلژیک و دانشگاه بزرگ و لاییک بروکسل برگزار شد. برخی افراد حاضر سخنرانی کردند و یاد همه زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران چون حمید بابایی، نرگس محمدی، رامین حسین‌پناهی، احمدرضا جلالی، آتنا دانی و گلرخ ایرایی را گرامی داشتند. در این گردهمایی پیامی از ویدا مهران‌نیا، همسر احمدرضا جلالی، زندانی محکوم به اعدام، قرائت شد. همچنین پیام‌هایی از همسران نرگس محمدی و حمید بابایی و نیز پیامی از شیرین عبادی، خواننده شد. امجد حسین پناهی فعال حقوق بشر و برادر رامین حسین‌پناهی، زندانی محکوم به اعدام نیز سخنرانی کرد.

## آخرین وضعیت آتنا دائمی و گلرخ ایرایی در زندان قرچک

آتنا دائمی و گلرخ ایرایی دو کنشگر مدنی از ۱۴ بهمن ماه به دلیل انتقال غیرقانونی و ضرب و شتم شدن توسط ماموران زندان اوین دست به اعتصاب غذای اعتراضی زدند، خانم دائمی در تاریخ ۲۶ بهمن ماه سال گذشته به اعتصاب غذای خود پایان داد و خانم ایرایی نیز اعتصاب خشک خود را به اعتصاب غذا تغییر داد. خانم ایرایی پس از گذشت ۵۴ روز کماکان در اعتصاب به سر می برد او دستکم ۲۰ کیلو کاهش وزن پیدا کرده و دیگر توان راه رفتن نیز ندارد. از سوی دیگر خانم دائمی نیز یک سمت صورتش دچار بی‌حسی شده، مسئولان بهداری زندان به وی گفته‌اند احتمالاً در جریان انتقال آنها دچار شوک عصبی یا ضرب‌خوردگی شده و همین مسئله باعث از کار افتادن یکی از عصب‌های صورتش شده است.

یک منبع نزدیک به خانواده ایرایی گفت: وضع گلرخ ایرایی به شدت نگران کننده است. خانم ایرایی با افت شدید فشار خون و خشک شدن زبان مواجه شده و به هیچ وجه توان راه رفتن ندارد. وزن وی نیز با دستکم بیست کیلو کاهش به کمتر از ۵۰ کیلوگرم رسیده است. خانم ایرایی از زدن سرم نیز امتناع کرده و گفته است چون وعده‌های قبلی مسئولین زندان مبنی بر پیگیری وضعیتشان عملی نشده است، به هیچ وجه حاضر به تزریق سرم نیست و همین مساله باعث نگرانی خانواده و نزدیکان وی شده است. آتنا دچار سرماخوردگی و تب شدید شده است؛ یک طرف صورتش دچار بی‌حسی شده و طی مراجعاتی که به بهداری داشته به وی گفته‌اند احتمالاً در جریان انتقال آنها به بند مادران دچار شوک عصبی یا ضرب‌خوردگی شده و همین مسئله باعث از کار افتادن یکی از عصب‌های صورتش شده است.

## نیکان خسروی خواننده موسیقی متال: نمی‌توانستم حکم شش سال زندان را تحمل کنم!

نیکان خسروی عضو گروه موسیقی متال «کانفس» که با دو اتهام در دادگاه انقلاب به شش سال زندان محکوم شد؛ پس از گذشت چند ماه از ابلاغ حکم دادگاه از ایران خارج و اکنون در ترکیه به سر می‌برد: من ۲۴ سالم است. طی سه سال گذشته در ترس و اضطراب نتیجه دادگاه بودم و پس از صدور حکم متوجه شدم که شاید کمی از دوران حکم در دادگاه تجدیدنظر کاهش پیدا کند و یا همین عیناً تایید شود و من از ایران خارج شدم.

نیکان خسروی ۲۴ ساله به همراه آرش ایلخانی ۲۳ ساله عضو دیگر گروه موسیقی متال کانفس، به دو اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس و توهین به مقدسات به پنج سال حبس در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی محمدرضا مقیسه محکوم شدند. این دو اتهام از تهیه و تولید موسیقی غیرمجاز و تبلیغ شیطان پرستی و گفتگو با رسانه‌های بیگانه به آنها وارد شده است. آنها طی چهار سال فعالیت دو آلبوم موسیقی به زبان انگلیسی به صورت آنلاین منتشر کردند که ۱۲ روز پس از انتشار دومین آلبومشان به نام «در تعقیب رویاها» از سوی ماموران حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران بازداشت شدند. خبر اولین دور بازداشت آنها از سوی برخی از رسانه‌ها منتشر شد. نیکان خسروی و آرش ایلخانی هر دو در زمان بازداشت، دانشجوی رشته مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد رودهن بودند.

نیکان خسروی گفت: «هفت هشت مامور یک مرتبه ریختند داخل خانه، کل خانه و اتاق من را تفتیش کردند، برخی از وسایلم را توقیف کردند، بعد هم به من دستبند زدند و با خودشان بردند. گفتند اتهام سب النبی است. آرش را هم در راه دانشگاه به خانه در خیابان دستگیر کردند. ما هر کدام به طور جداگانه ۱۰ روز در بند ۲ الف سپاه بازجویی شدم. من ۴،۵ بازجو داشتم. دو سه روز اول میگفتم که بیگناهم. بعد بازجو میگفت برش گردانید داخل سلول تا وقتی متوجه شود گناهکار است. چند روز که گذشت حالم بد شده بود، یکی از بازجویان بهم گفت من اصلاً مشکلی ندارم که تو را نگه دارم، اگر همکاری نکنی همینطور بازداشت موقتت تمدید میشود و اگر همکاری کنی آزاد میشوی.»

بازجویانم خط به خط شعرهایم را که به زبان انگلیسی بود ترجمه کرده بودند، به من میگفتند چرا اینجا این را گفتی چرا اونجا این رو؟ تو شیطان پرستی، خدا را قبول نداری. گفتند چرا فحش میدی در شعرهایت. واقعا باور داشتند که من آدم بدی هستم. میگفتند از کجا حمایت مالی میشوم و با چه کسانی رابطه دارم. در شعبه سوم دادرسی اوین بازپرس پرونده عکسهای جلوم گذاشت که با دوست دخترم گرفته بودیم. گفتند این دختر کیه؟ چرا نصف موهاش قرمز و نصفش مشکی؟ میگفتند همه شما شیطان پرستید. میگفتند من شعرهایم سیاسی است. اما من ۲۱ سالم بود نه اهل سیاست بودم و نه اصلاً سیاست را میفهمیدم اما وقتی در ایران زندگی کنی از لحظاتی که چشم باز کنی تا آخر شب یک جور زندگی روزانهت با سیاست سرکار دارد که در شعرهای من هم بود. من تا مدت‌ها فکر میکردم اعدام میشوم اما با دفاع و کیلم، بازجویان قانع شدند که شعرهای من حاوی مطالب توهین‌آمیز به به پیامبر و ائمه نیست. فقط در یک شعرم از ماهیت خدا صحبت کرده بودم.

نیکان خسروی به مدت ۱۰ روز در انفرادی بند دو- الف سپاه پاسداران و پس از آن به مدت یک ماه در بند عمومی زندان اوین نگهداری شد. پس از آن با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون از زندان آزاد شد اما مجدداً در اواخر بهمن ماه ۹۴ بازداشت و دو ماه در زندان بود و نهایتاً در اوایل اردیبهشت ۹۵ آزاد شد.

## جنبش زنان و نه به حجاب اجباری

پروسه اتمام رای دادگاههای تفتیش عقاید جمهوری اسلامی در رابطه با دستگیرشدگان قیام دی ماه به پایان خود نزدیک می شود که در این رابطه دستگیری و زندان دختران انقلاب از آخرین پرونده سازی جمهوری اسلامی در پایان سال ۹۶ خواهد بود. «مریم شریعتمداری، ۳۲ ساله، دانشجوی رشته کامپیوتر دانشگاه امیرکبیر است. او غروب روز ۳ اسفند ۱۳۹۶، در اعتراض به حجاب اجباری به بالای یکی از صندوقهای مخابرات خیابان انقلاب رفت و روسری سفیدش را در دست تکان داد...» (اکثر بازداشت شدگان در بازداشتگاه ها مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند.) از میان ده ها زنی که در هفته های اخیر به علت اعتراض به حجاب اجباری بازداشت و به دختران خیابان انقلاب مشهور شده اند، از طرف نهادهای حقوق بشری دست کم نام شش زن مشخص شده است: همراز صادقی، مریم شریعتمداری، شاپرک شجری زاده، نرگس حسینی، اعظم جنگروی و ویدا موحد. نرگس حسینی، یکی دیگر از دختران خیابان انقلاب به سه اتهام محاکمه شد که مهمترین آن «تشویق به فساد» بود. او با دو اتهام دیگر هم روبه رو شد: «عدم رعایت حجاب شرعی» و «تظاهر به عمل حرام».

اعتراض به حجاب اجباری که از مهمترین نمادهای حکومت مذهبی می باشد، اگرچه همچنان بلحاظ تئوریک جایگاه خود را در فرهنگ جامعه ایرانی و اشکال آزادی های اجتماعی تعریف نکرده اما توانست مبارزات جنبش زنان را وارد یک مرحله کیفی گرداند. نمادهای مذهبی در جامعه ایران هم از لحاظ تاریخی و تسلط فرهنگ فقه شیعه در تمامی اندام فرهنگی جامعه و هم از لحاظ تسلط نگاه مذهبی فقه بر نهادهای حکومتی، سد بزرگی است که بواسطه جنبش زنان به چالش گرفته شد. زمانی نقد به حجاب در سطح اتاقهای فکر و توسط روشنفکران و بعضا جریانهای سیاسی مخالف حاکمیت محدود بود. اما در جنبش دی ماه پاسخ به حجاب اجباری تبدیل به امر اجتماعی و فراگیر گردید و طیفهای مختلف اجتماعی به آن واکنش نشان دادند. و طبق آمارهای رسمی هم ثابت گردید که اعتراضات جنبش زنان در خصوص حجاب یک ضرورت اجتماعی است و بیش از ۷۵ درصد مردم مخالف اجباری بودن حجاب هستند و تنها ۲۵ درصد در جامعه به اجبار آن رای داده اند! بی تردید از دلایلی که باعث گردید تا شعار مخالفت با حجاب اجباری فراگیر و گسترش یابد، ایجاد شکاف در سیستم سرکوب و عوامل انسداد اجتماعی، رسانه ای شدن مطالبات فعالین جنبش زنان و هم تضاد فاحش نیازهای فرهنگی و اجتماعی انبوه مردم با سیاستهای فرهنگی حاکمیت باعث گردید تا دوباره پس از چهارده در جنبش دی ماه سر باز کرد.

### مریم شریعتمداری یکی از دختران خیابان انقلاب به یک سال حبس تعزیری محکوم شد

مریم شریعتمداری، یکی از دختران خیابان انقلاب، که با تامین وثیقه ۵۰ میلیون تومانی از زندان قرچک ورامین آزاد شده بود، به یک سال حبس تعزیری محکوم شد. حکم یک سال حبس تعزیری به نسرین ستوده، وکیل مریم شریعتمداری در حالی ابلاغ شد که این دختر خیابان انقلاب، ۱۶ اسفند ۱۳۹۶، با تامین وثیقه ۵۰ میلیون تومانی از زندان قرچک ورامین آزاد شده بود. مریم شریعتمداری، ۳۲ ساله، دانشجوی رشته کامپیوتر دانشگاه امیرکبیر است. او غروب روز ۳ اسفند ۱۳۹۶، در اعتراض به حجاب اجباری به بالای یکی از صندوقهای مخابرات خیابان انقلاب رفت و روسری سفیدش را در دست تکان داد. نیروی پلیس از او می خواهد که پایین بیاید و از مردم هم که به تماشا ایستاده بودند، می خواهد متفرق بشوند. مریم شریعتمداری از مامور نیروی انتظامی می پرسد جرمش چیست و باید به چه جرمی پایین بیاید. مامور جرم او را «اخلال در نظم عمومی» می خواند. مشخص نیست این مامور یا مامور دیگری از پشت سر مریم شریعتمداری را به پایین پرتاب می کند. در اثر این پرتاب، پای او به شدت آسیب می بیند.

پیشتر مریم شریعتمداری و شاپرک شجری زاده، دو تن از معترضین به حجاب اجباری و دختران خیابان انقلاب، از اهداف و انگیزه های خود در اعتراض به قانون حجاب اجباری گفته بودند و شرح حالی از برخورد توهین آمیز و خشونت بار برخی از ضابطان نیروی انتظامی ارائه دادند. همینطور نسرین ستوده وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر که پیگیر پرونده دختران بازداشت شده در اعتراض به حجاب اجباری است، گفته بود: «اکثر بازداشت شدگان در بازداشتگاه ها مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند.» از میان ده ها زنی که در هفته های اخیر به علت اعتراض به حجاب اجباری بازداشت و به دختران خیابان انقلاب مشهور شده اند، دست کم نام شش زن مشخص شده است: همراز صادقی، مریم شریعتمداری، شاپرک شجری زاده، نرگس حسینی، اعظم جنگروی و ویدا موحد. نرگس حسینی، یکی دیگر از دختران خیابان انقلاب، شنبه ۵ اسفند ۱۳۹۶ به سه اتهام محاکمه شد که مهمترین آن «تشویق به فساد» بود. او با دو اتهام دیگر هم روبه رو شد: «عدم رعایت حجاب شرعی» و «تظاهر به عمل حرام».



## قرچک رهايمان نخواهد کرد

گزارشی از استنمار مضاعف زنان زندانی توسط دستگاه قضا!!!

در بخشی از این گزارش آمده؛ زندان فرصت بی‌نظیری است برای بازنمایی نابرابری و نقش حیاتی پول در ساختن سلسله مراتب، در فضایی کوچک. پول در زندان بسیار حیاتی است و کافی است پول نداشته باشی تا در اعماق سلسله مراتب دست و پا بزنی و حتا از آب و خوراک مناسب نیز بی‌بهره باشی. میوه و سبزیجات جزو جیره‌ی زندان نیست و بالطبع تنها کسانی می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند که پول داشته باشند و بتوانند از فروشگاه زندان میوه و سبزیجات بخرند. حتا آب آشامیدنی نیز در دسترس نیست... در زندان برای آشامیدن آب هم باید پول داشته باشی تا بتوانی بطری آب معدنی را از فروشگاه زندان تهیه کنی. اما کسب پول هم ماجرای جداگانه دارد، زندانیان محروم چاره‌ای جز کارگری در زندان ندارند، چند نفر از زندانیان وظیفه‌ی نظافت سرویس‌ها را بر عهده داشتند، شب به شب زن میانسال ریز نقشی با چهارچرخه‌ی بزرگ می‌آمد، به انتهای بند می‌رفت، سطل‌های بزرگ و سنگین از زباله ۱۲۰ زندانی را خالی می‌کرد، روی چهارچرخه می‌گذاشت، چند ردیف حمام و دستشویی زندان را تمیز می‌کرد و می‌رفت. دستمزد این زنان کارگر نه با زندانبانان که با زنان زندانی بود و هر کدام موظف بودند ماهانه هزار و پانصد تومان به عنوان دستمزد به این زنان بدهند. زباله‌ها هم لایب جزو همان‌ها بود که در همان نزدیکی‌ها سوزانده می‌شد و عصر به عصر دود ناشی از سوزاندن در همان نزدیکی را می‌شد دید و کمی بعدتر خاکسترش بر حیاط زندان و بر سر و روی زندانیان می‌بارید و همه جا را سیاه می‌کرد. تعداد دیگری از زندانیان در کارگاه‌های اشتغال زندان مشغول به کار بودند. زندانیان کارگر باید پیش از ساعت ۹ صبح به کارگاه می‌رفتند و تا ساعت ۵ آنجا می‌ماندند. روزی ۸ ساعت کار در ازای دستمزدی به شدت ناچیز! گروه کارخانجات «حامی» که زیر نظر قوه قضاییه است این کارگاه‌ها را ایجاد کرده است. دستمزد مصوب طبق مصاحبه‌ی مطهرنژاد مسوول بنیاد تعاون زندانیان کشور، بین ۳۸ تا ۵۴ درصد دستمزد مصوب برای کارگران آزاد است. به عبارت دیگر حتا اگر گفته‌های مطهرنژاد را بپذیریم، کارگران در ازای کاری که مشابه کار کارگران آزاد است، کمتر از نیمی از دستمزد در بیرون زندان را دریافت می‌کنند و این یعنی صنعت پر سود زندان داری!

مطهرنژاد گفته است نیمی از این دستمزد به خانواده زندانی تعلق می‌گیرد و ۲۵ درصد برای زندانی پس‌انداز می‌شود و ۲۵ درصد به زندانی تعلق می‌گیرد. وی این کار را در راستای حمایت از خانواده‌های زندانیان دانسته است. به عبارت دیگر در بهترین حالت گروه کارخانجات حامی که تحت نظر قوه قضاییه است به جای این که به زندانی یک میلیون تومان حقوق بدهد، ۵۰۰ هزار تومان دستمزد در نظر می‌گیرد، و ۲۵۰ هزار تومان را به خانواده زندانی می‌دهد و این را حمایت از خانواده زندانی می‌داند (تصور کنید خانواده‌ای با حداقل یک یا دو فرزند قرار است با این مبلغ «زندگی کند»). ۱۲۵ هزار تومان را به زندانی می‌دهد و ۱۲۵ هزار تومان را هم باز قوه قضاییه با عنوان «پس‌انداز برای زندانی!» برمی‌دارد. پس‌اندازی که زندانی تا زمان آزادی به آن دسترسی ندارد. اما این پایان فاجعه نیست، دستمزد ماهی پانصد هزار تومان برای زنان زندانی رویایی بیش نیست. آنان در ازای روزی ۸ ساعت کار تنها ماهی ۲۰ هزار تومان دریافت می‌کنند. بازسازی فاجعه بار تفاوت دستمزد میان زنان و مردان در بیرون از زندان!

و من به یاد محور تجمع ۸ مارس روبروی وزارت کار می‌افتم! خواست دستمزدی عادلانه و برابر برای زنان... و قلبم فشرده می‌شود. زنی که بیرون از زندان سرپرستی خواهر معلولش را برعهده داشت، جانماز دوخته شده‌ی زیبایی را نشانم می‌دهد و

می‌گوید این «جانمازهای مدافع حرم» را در کارگاه زندان برای مدافعین حرم می‌دوزند. زن ادامه می‌دهد که پرده برای قطارها می‌دوزند با ماهی ۱۰ هزار تومان و خیاطی‌های تخصصی‌تر مثل همان جانمازهای مدافع حرم دستمزدهای بالاتری دارند؛ ماهی ۶۰ هزار تومان! صنعت پرسودی است زندان داری! مطهرنژاد گفته است گروه کارخانجات حامی در ۳۱ استان و ۲۹۱ زندان کشور بیش از ده هزار زندانی را به کار گرفته است. او از بهره برداری از زمین‌های اطراف زندان برای کشاورزی سخن می‌گوید و همچنان که از «خدمات قوه قضاییه در اشتغالزایی» می‌خوانم از محاسبه‌ی سودی که از این همه اشتغالزایی کسب می‌شود درمی‌مانم! اما زندان چندان هم جای بدی نیست، کافی است پول داشته باشی و راه پول درآوردن در زندان را بلد باشی که حتا در برابر آزاد شدن مقاومت کنی... زنی را به یاد می‌آورم که می‌گفتند در همین مدت زندان توانسته



اسفند ۱۳۵۷ - ما انقلاب نکریم، تا به عقب برگردیم!

از طریق معامله با همین زندانیان میلیاردی پول در بیاورد و هیچ هم دلش نمی‌خواهد زندان را ترک کند. کافی است پول داشته باشی تا حتی قرچک هم برایت بهشتی شود که نخواهی ترکش کنی.

از زهره اسدپور

### سال ۹۱؛ سال ناامیدی و تغییرات ناچیز برای اقلیت‌های دینی و قومی

... حیدر بیات، شاعر و پژوهشگر ادبیات کلاسیک ترکی می‌گوید در سال گذشته ترک‌ها موضع فعالانه‌ای در قبال دولت و سیاست‌های رسمی آن نداشتند و از روحانی ناامید شده بودند. حجم احضار فعالان در سال ۹۶ زیاد بود و تقریباً در هیچ موردی رسانه‌ای نمی‌شده است. «مسائل تئوریک سیاسی در باب قومیت و ملیت و مسئله زبان ترکی به گفتمان رسمی کشور راه یافت. وزارت ارشاد جدید روحانی با کتاب‌ها و نشریات ترکی مهربان‌تر از هر زمان دیگری بود و مجوزهای خوبی صادر شد. اما اقدامات دولت روحانی هرگز کافی نبوده، به ویژه که روحانی در زمینه آموزش زبان مادری و ایجاد فرهنگستان، خلف وعده کرد. کارنامه مجلس در باب فراقسیون ترک‌ها نیز نمره منفی گرفت. این خلف وعده‌ها و کارشکنی‌ها سبب انسداد باب گفتگو و تعامل میان گروه‌های هویت‌گرا و مجموعه‌های نظام می‌شود.

حبیب‌الله سربازی، مسئول کمپین فعالین بلوچستان می‌گوید: هر بار با این سؤال مواجه می‌شوم، تلاش می‌کنم وقایع مثبت را بررسی کنم و جواب بهتری بدهم، اما انصافاً وضعیت اهل سنت هیچ تغییری نکرده است. تمام تبعیض‌ها با قوت باقی است، تمام وعده‌های روحانی بیشتر شعار از آب درآمد. حتی مولانا عبدالحمید، یکی از رهبران سنی ایران به جلسه تحلیف روحانی دعوت نشد. استاندار سنی و بلوچ برای بلوچستان منصوب نشد. با شروع اعتراض‌های دیمه ۹۶ بازداشت، تهدید، ارباب و احضارها نیز بیشتر شدند، نه در بخش آموزشی و نه اقتصادی هیچ تغییر محسوسی دیده نمی‌شود. از طرفی به طور قابل توجهی احساس می‌شود که مردم از این حکومت ناامید شده‌اند، نه اصلاح‌طلب و نه اصول‌گرا را دیگر راهی برای حل مشکل‌شان نمی‌بینند.

حسن امینی حاکم شرع مردمی کردستان می‌گوید؛ سالی که گذشت برای اهل سنت دستاوردی نداشته است. کاری برای اقلیت‌های دینی و مذهبی انجام نگرفته است و حتی محدودیت‌ها بیشتر شده است. در شهرهای بزرگ ایران، در تهران، شیراز، اصفهان و یا مشهد که اهل سنت به عنوان اقلیت زندگی می‌کنند، حق ساختن مسجد نداشتند. ما از انقلاب تاکنون برای احداث یک مسجد در تهران تلاش می‌کنیم ولی تا به حال مجوزی صادر نشده است. در سال ۹۶ بعضی مدارس دینی تعطیل و علمای اهل سنت بازداشت شدند. ملا سیدرضا در ارومیه یک روحانی سنی ۶ ماه زندانی شد و مدرسه دینی او را تعطیل کردند و او مدتها هم در تبعید بود. من خودم قبلاً به دادگاه روحانیت احضار شدم. البته هنوز حکمی صادر نکردند. حسن امینی در نامه عبدالحمید و مخالفتش با تبعیض علیه سنی‌ها می‌گوید؛ بعد از این نامه هم تغییری ایجاد نشده و حتی در بسیاری از ارگان‌های تحت نظر رهبری هم تبعیض حاکم است. من هم نامه‌ای نوشتم و گفتم که یک قسمت از تبعیض‌ها در ارگان‌هایی اعمال می‌شود که تحت نظر مستقیم خود رهبری هستند و رهبری می‌تواند این تغییر را از ارگان‌هایی که زیر نظر او اداره می‌شوند، شروع بکند. در این ارگان‌ها کسی از اهل سنت نیست. آقای امینی در پایان صحبت‌های خود تأکید کرد که او امیدی برای تغییر در سال ۹۷ ندارد و چشم‌اندازی در این زمینه نمی‌بیند.

### تداوم تجمع قوم اعراب اهواز در اعتراض به رفتار نژادپرستانه رسانه ملی

تظاهرات مردم عرب اهواز برای دومین روز پیاپی در اعتراض به آنچه آن را رفتارهای نژادپرستانه صدا و سیمای جمهوری اسلامی در انکار هویت خود می‌خوانند، ادامه یافت. شمار زیادی از شهروندان عرب اهواز در روز پنجشنبه با تجمع در خیابان نادری این شهر، به تظاهرات اعتراضی خود علیه رسانه حکومتی ایران ادامه داده‌اند. در این رابطه چند تن از معترضین به توسط نیروهای نظامی دستگیر شدند. عباس کعبی، نماینده خوزستان در مجلس خبرگان، چند روز پیش در پی «حذف مردم عرب خوزستان از برنامه‌های صدا و سیما» در نامه‌ای به عبدالعلی عسکری، رئیس صدا و سیمای جمهوری اسلامی، خواستار عذرخواهی رسمی او شده بود. کعبی همچنین ضمن درخواست جلوگیری از تکرار اشتباهات پرهزینه، تحریک قومیت‌ها را بسیار خطرناک و یک حرکت ضدانقلابی دانسته بود که به گفته‌ی او، مخاطرات امنیتی و آثار مخرب اجتماعی فراوانی خواهد داشت.

### دستکم ۲ تن از کولبران مرزی مصدوم شدند

گروهی از کولبران در مرز سردشت، با شلیک نیروهای هنگ مرزی در نقطه‌ی صفر مرزی یک تن به نام جمال خباز از ناحیه‌ی پشت دچار جراحت شدید شد. در خبر دیگری در همین منطقه شلیک نیروهای هنگ مرزی در حوالی روستای کانی‌زرد، مجروح شدن یک کولبر به نام لقمان محمدزاده از ناحیه‌ی ران و شکم را در پی داشته است. همزمان در خبری دیگر در همین منطقه یک کولبر به نام لقمان محمدزاده ۳۷ ساله و از اهالی روستای شموله از توابع ربط، در حوالی روستای کانی‌زرد، در اثر شلیک نیروهای هنگ مرزی از ناحیه‌ی ران و شکم مجروح شده است. در تاریخ ۱ فروردین‌ماه سال جاری نیز یک کولبر مرزی به نام منصور مرادی بر اثر برخورد با مین‌های بجای مانده از زمان جنگ دو پای خود را از دست داده بود. در ایران طی سال ۱۳۹۶، گزارش قتل ۴۶ کولبر (باربر مرزی) و زخمی شدن ۵۸ تن آنان توسط نیروهای مرزبانی و انتظامی ثبت شده که عمدتاً این تلفات انسانی در مناطق کردنشین گزارش شده است. بر اساس این آمار، در کنار افرادی که هویت آنان به عنوان کولبر روشن شده، ۲۲۴ شهروند هدف تیراندازی نیروهای انتظامی و مرزبانی قرار گرفتند.



## نیرنگ حاکمیت در بحران آب و محیط زیست

به دلایل متعدد اقلیت های قومی و مذهبی به ستم مضاعف دچار هستند؛ بیکاری مضاعف، بحران زیست محیطی، مشکل تدریس زبان مادری در مدارس، فقدان آزادی های مذهبی و فرهنگی، عدم حضور مدیران اقلیت های مذهبی و قومی در نهادها و ساختار قدرت سیاسی و... و نبود برنامه ای فراگیر جهت حل مشکلات قومی و مذهبی خصوصا در استانهای مرزی کافی بود تا بخشی از جنبش دی ماه در این استانها شکل بگیرد. ماهیت مطالبات اجتماعی در این مناطق بیشتر فرهنگی و اقلیمی است.

حجم احضار فعالان اجتماعی در سال ۹۶ زیاد بود و تقریبا در هیچ موردی رسانه ای نمی شده است. در تظاهرات دیماه ۹۶ بیشترین قربانیان و دستگیری ها از میان اقلیت ها بوده است. مردم عرب در جنوب و جنوب غربی ایران در سال ۹۶ از تبعیض نژادی رنج بردند. اهواز ۱۰۰ روز هوای ناسالم و ۵۰ روز هوای خطرناک داشته است. در سال ۹۶ ریزگردها هم بر مشکلات مردم عرب در خوزستان افزوده شده است... وضعیت اهل سنت هیچ تغییری نکرده است. تمام تبعیض ها با قوت باقی است، تمام وعده های روحانی بیشتر شعار از آب درآمد. حتی مولانا عبدالحمید، به جلسه تحلیف روحانی دعوت نشد. استاندار سنی و بلوچ برای بلوچستان منصوب نشد... با شروع اعتراض های دیماه ۹۶ بازداشت، تهدید، ارباب و احضارها نیز بیشتر شدند، نه در بخش آموزشی و نه اقتصادی هیچ تغییری محسوس دیده نمی شود... مردم از این حکومت ناامید شده اند...

وضعیت آب در ایران در سالی که گذشت بحرانی بود. نه تنها خشکسالی بی سابقه به دلیل بارش بسیار اندک باران و برف در پاییز و زمستان سال ۱۳۹۶، بلکه اجرای طرح های کلان بدون پشتوانه علمی از جمله توسط شرکت های وابسته به سپاه پاسداران، به افزایش بحران زیست محیطی انجامید. یکی از این طرح ها سد عظیم گتوند است که توسط شرکت «سپاسند» وابسته به سپاه پاسداران ساخته شده است. پسته دیواره های طبیعی این سد لایه هایی از نمک دارد که باعث شور شدن آب دریاچه پشت این سد می شود. در نتیجه آبی که از این دریاچه به سمت خلیج فارس سرازیر می شود شور زاری بر جای می گذارد که پنج برابر شوری آب خلیج فارس است و حیات خوزستان را تهدید می کند. در وضعیت محیط زیست استان خوزستان، برداشت بی رویه از منابع آبی این استان، کاهش سطح آب رود کارون، و خشکی تالاب هورالعظیم، بحران ریزگردها و غلظت گرد و غبار در این استان را در فصل زمستان به ۶۰ برابر حد مجاز رساند. نه تنها خوزستان بلکه ۹۷ درصد از مساحت ایران کمبود جدی آب دارد! اصفهان با زاینده رود بی آب، آذربایجان با مرگ تدریجی دریاچه ارومیه، سیستان بلوچستان با دریاچه خشک شده هامون و استان خراسان با زمین های از بی آبی ترک خورده کشاورزان حاکی از عدم مدیریت بحران آب در ایران هستند.

همکاری تشکل های محیط زیستی ایران با نهادهای بین المللی فعال به بحرانی امنیتی تبدیل شد. بازداشت کاووس سیدامامی و مرگ او در زندان در بهمن ماه ضربه مهلکی بر افکار عمومی بود. بازداشت و بازجویی از کاوه مدنی، معاون آموزشی سازمان محیط زیست این گمانه زنی را مطرح کرد که سپاه پاسداران به دلیل مخالفت سازمان محیط زیست با طرح های سپاه پاسداران-از انتقال آب و ساخت نیروگاه- در پی تصویب حساب با این نهاد و دولت روحانی است. مرگ جمعی از فعالان محیط زیست که برای گفت و گو با نمایندگان مجلس و پیگیری وضعیت فعالان بازداشت شده به تهران سفر کرده بودند در پی سقوط هواپیمای تهران یاسوج، شوک دیگری برای فعالان محیط زیست بود. ممنوع الخروج شدن مریم ممینی، همسر کاووس سیدامامی سایه سنگینی بر سیاست محیط زیستی حاکمیت انداخت. اعتراض بی سابقه کشاورزان اصفهان به شیوه توزیع منابع و شعارهای آنها در مراسم نماز جمعه علیه مسئولان تنها گوشه ای از خشم مردمی بود که با این بحران درگیر هستند. جنگ آب از جدیدترین بحران های است که در آینده ایران نقش دارد. چه بلحاظ داخلی و چه بصورت نزاع با همسایگان ایران. و جمهوری اسلامی بدلیل سیاستهای غلط اقتصادی و... هیچ راه حل کوتاه مدتی برای آن ندارد و مسئولیت خود را بردوش سازمانهای مردم نهاد و یا اقشار مردم در مناطقی انداخته که هم اکنون با بحران کمبود آب درگیر هستند. کما اینکه قربانیان این وضعیت مردم و فعالین محیط زیست می باشند. علی رغم این وضعیت اسفبار، سهم امور محیط زیست در سال آینده حدود ۲ درصد بودجه عمومی دولت پیش بینی شده است. ۲ دهم درصد! با این اوصاف می توانیم پیش بینی کنیم که تداوم این وضعیت در سال جدید می تواند تبدیل به یک جنبش اجتماعی گردد. بحرانی که حتی نسبت به مشکلات صنفی در جنبش های اجتماعی عمیق تر بوده و اگر در عرصه محیط زیست «خودآگاهی» لازم ایجاد گردد، جنگ آب و مشکل محیط زیست منجر به کنش تمام طبقات اجتماعی و مطالبه ای ملی در مقابل کل حاکمیت خواهد شد.



## بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران پیرامون؛

### مطالبات صنفی محقق نشده و تهدید مسئولان به تداوم اعتراضات

در بخشی از این بیانیه آمده که؛ در حالی بهروزهای پایانی سال ۱۳۹۶ نزدیک می‌شویم که روزانه بر دامنه مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم افزوده می‌شود. اقلیتی برخوردار در امنیت و آرامش هستند و اکثریتی زحمتکش با مشکلات عدیده دست و پنجه نرم می‌کنند. شرح حال فرهنگیان بازنشسته و شاغل نیز متفاوت از وضعیت اکثریت جامعه نیست. قشری که وظیفه دارد به دور از دغدغه های گوناگون، بار آموزش و تربیت کودکان را بر دوش بگذرد، امروز در تنگنای اسفناک معیشتی، اقتصادی و امنیتی گرفتار شده است. از سوی دیگر وضعیت مدارس به عنوان محیط کار معلمان و پایگاه اصلی تربیت و آموزش بحرانی است. سیاست پولی سازی آموزش ادامه دارد. سرانه مدارس پرداخت نمی‌گردد و یان قدر اندک است که مدیران مدارس ناگزیر برای گردش چرخ مدرسه، دست نیاز به سوی خانواده‌ها دراز می‌دارند... شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با توجه به زندگی معلمان بازنشسته و شاغل و شرایط اسفناک مدارس و آموزش، گزیده ای از خواسته‌ها و مطالبات خود را برای چندمین بار و به منظور بهبود اوضاع و احوال معلم و مدرسه اعلام می‌کند و انتظار دارد تا پایان فروردین ۹۷ این مطالبات برآورده شود در غیر این صورت در اردیبهشت ۹۷ همزمان با هفته معلم بابرگزاری تحصن، تجمع و..... اقدامات اعتراضی قانونی را انجام خواهد داد.

۱. حقوق و دستمزد: ما خواهان افزایش حقوق فرهنگیان بازنشسته و شاغل (رسمی، غیررسمی و دولتی، دولتی، غیردولتی) به میزان شاخص‌های رسمی اقتصادی (بالتر از خط فقر) هستیم... ۲. وضعیت بازنشستگان فرهنگی: ... ما خواهان پرداخت پاداش بازنشستگی به موقع، کامل و نقدی، بیمه فراگیر و درآمد شایسته و نظارت بر عملکرد صندوق بازنشستگی کشوری هستیم و بر همسان سازی حقوق بازنشستگان با شاغلان تأکید داریم... ۳. حق الزحمه فرهنگیان: ... ما خواهان پرداخت به موقع حق الزحمه های مختلف هستیم. برای نمونه در سال جاری دولت دستمزد هشت ماه حق التدریس به معلمان بدهکار است. اضافه کاری و... نیز شرایط بدتر ازین دارد... ۴. اجرای کامل مصوبات: پاداش یک ماه مرخصی، یک ماه حقوق پاداش مناطق محروم و... ۵. حقوق دانش آموزان: آموزش با کیفیت و رایگان و برابر در تمام نقاط کشور. کیفیت آموزش، برچیده شدن مدارس با عناوین گوناگون ساختگی با اهداف عمدتاً پولی (تیزهوشان، نمونه دولتی، هیات امنایی، غیرانتفاعی، برون سپاری و فروش خدمات آموزشی، مجتمعی، دولتی و...) حذف نفوذ شرکت‌ها و موسسات خصوصی... تجهیز و بهبود فضاهای آموزشی با استاندارد های روز دنیا. بر چیده شدن مدارس صحرائی، کپری، چادری، کانکسی، کلنگی و غیر ایمن که به هیچ عنوان شایسته شهروندان ایرانی نیست. ۶. صندوق ذخیره فرهنگیان: صد در صد سرمایه ی صندوق ذخیره متعلق به اعضاست اما تاثیرشان در روند مدیریت و سرمایه گذاری و... صفر است. ۷. تشکل یابی صنفی و معلمان زندانی صنفی: دو مساله مهم که با خواسته های محوری و همیشگی شورای هماهنگی و مطالبات صنفی فرهنگیان گره خورده حق تشکل یابی و آزادی معلمان زندانی صنفی است. تاکنون انتخابات تشکلهای صنفی استانی برگزار شده اما مجوز فعالیت این تشکلهای پس از گذشت حدود دو سال هنوز صادر نشده است...

شورای هماهنگی فرهنگیان همچنان امیدوارست که مسوولین دولتی، امنیتی و قضایی از برخوردهای قهری با کنشگران صنفی دست کشیده و به سفارش ها و خواسته های قانونی و اصولی کنشگران و تشکلهای صنفی با دیده ی اغماض ننگرند. زندان جای تبهکاران و سوءاستفاده گران و خاطیان است. زندان و احکام ظالمانه برای معلمان کنش گر صنفی نه تنها آنان را از اهداف و خواسته‌های برحقشان باز نمی‌دارد بلکه آنها را برای رسیدن به مطالبات مصمم تر میسازد. شورای هماهنگی فرهنگیان به جد پیگیر آزادی معلمان صنفی زندانی می‌باشد و برحق تشکل یابی صنفی فرهنگیان همچون گذشته مصر است. شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران باور دارد در کشور ثروتمندی چون ایران آموزش با کیفیت، رایگان و عادلانه حق تمام کودکان است. معلمان حق دارند زندگی انسانی و شرافتمندانه ای داشته باشند. لذا در فرصت باقیمانده، از دولت و مجلس می‌خواهیم با بازنگری لایحه بودجه سهم آموزش و پرورش را از بودجه عمومی افزایش دهند و اگر کمبود اعتبار دارند از بودجه نهادهای غیر پاسخگو و موازی کاری کاسته و بر بودجه نهاد آموزش اضافه نمایند، ضمن اینکه اجرای مصوبات به جامانده از گذشته منع قانونی ندارند و حال بشدت مورد درخواست هستند. از نظر شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان اسفند آخرین فرصت برای زمینه سازی، اجرا و تحقق مطالبات فوق از سوی مسئولان است در صورتی که خواسته‌های ما محقق نگردد... و مجلس بودجه ضروری برای تحقق مطالبات را تصویب ننماید شورای هماهنگی به صورت سراسری، به برگزاری برنامه‌های اعتراضی در قالب تحصن و تجمع در هفته معلم اقدام خواهد نمود و اگر این بی توجهی چون گذشته ادامه یابد و با تهدید و برخوردهای قهری و زندانی کردن کنشگران بخواهند مطالبات برحق ما را تحت تاثیر قرار دهند حتی از برگزاری امتحانات پایان سال سرباز خواهیم زد تا با این روشها صدای حق طلبی سالیان نشنیده ی خویش را به گوش مسوولان و جامعه برسانیم. تاریخ و مکان اعتراضات طی بیانیه‌های بعدی به اطلاع همکاران عزیز بازنشسته و شاغل خواهد رسید.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

## کودکان کار، پشت چراغ قرمز زندگی!

در بخشی از گزارش می خوانیم؛ کودکان کار و خیابان دیگر از نوشته و گزارش و دلسوزی کارشان گذشته است. کافی است سر هر چهارراه پشت چراغ قرمز مانده باشید تا دو چشم به شیشه ماشین دوخته شود و هی بگوید: «دستمال بخر!»، «فال حافظ بگیر»، «گل زرد برای یار بخر»! کودکانی که در خیابان‌ها، اتوبوس، در مترو، پشت چراغ قرمز، کنار در رستوران‌ها ایستاده‌اند و «آقا، خانم، بخر» را دم گرفته‌اند.

این بچه‌ها ساعت کاری ندارند از صبح تا شب در خیابان هستند و واحدهای درسی شان را در خیابان پاس می‌کنند. انگار مدرسه ندارند، نه شب‌ت صبح می‌روند و نه شب‌ت بعداز ظهر. تمام شب‌ت‌های مدرسه را در خیابان مانده‌اند و می‌خواهند شب دست پر به خانه بروند، آخر ضرب و شتم برایشان سنگین است و بدن‌های نحیفشان حوصله کتک خوردن را هم ندارد چه برسد به اینکه به فکر حل مسئله ریاضی باشند! وقتی شکم گرسنه است دیگر انگار درس خواندن زورش کم می‌شود. کودکان کار و خیابان جزو قشری هستند که همیشه در معرض تهدید قرار دارند. نرخ ابتلای کودکان کار و خیابان به ایدز ۴۵ برابر جامعه است. از سوی دیگر طبق تحقیقات حدود ۳۰ درصد از کودکان خیابانی به مدرسه نمی‌روند و بیسواد هستند. آمارها می‌گوید اوضاع کودکان کار و خیابان مناسب نیست.

به گزارش مهر، پژوهشی که در مورد بررسی وضعیت کودکان خیابانی انجام شده نشان می‌دهد که ۳۰٫۹ درصد کودکان خیابانی ۶ تا ۱۱ سال و ۹ درصد نیز زیر ۶ سال دارند و تعداد کودکان خیابانی غیرایرانی در استان‌های تهران، فارس، خراسان رضوی، بوشهر و اصفهان بیشتر از استان‌های دیگر است و همچنین ۳۰ درصد کودکان خیابانی به مدرسه نمی‌روند.

پژوهشی که در خصوص وضعیت کودکان خیابانی در سال گذشته توسط سازمان بهزیستی انجام شده است نشان می‌دهد که بیشترین آمار کودکان مربوط به گروه سنی ۶ تا ۱۱ سال است... مطالعات انجام شده نشان می‌دهد بیشترین تعداد کودکان خیابانی را پسران تشکیل می‌دهند و همچنین بررسی اولیه وضعیت تابعیت مراجعان نشان می‌دهد که کودکان ایرانی ۷۵٫۱ درصد کودکان خیابانی را تشکیل می‌دهند. در قانون کار هم موضوع کودکان کار پیش‌بینی شده است. ماده ۷۹ کار کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع کرده است. اما ماده ۸۰ گفته است، کسانی که ۱۵ تا ۱۸ سال دارند، کارگر نوجوان نامیده می‌شود. یعنی در قانون ما طبق شرایطی کار کودکان به رسمیت شناخته شده است... برنامه ساماندهی کودکان خیابانی هم سال ۷۸ تصویب می‌شود... «کودک خیابانی معلول یک سری عواملی است که آن عوامل دست سازمان‌های اجتماعی نیست. تقریباً قسمت عمده کودکان کار و خیابان برای تامین معاش خود و خانواده شان در خیابان کار می‌کنند. حالا یک عده ممکن است در باندهایی باشند، اما بخش عمده دست کسانی است که برای تامین معاش خود و خانواده‌ها کار می‌کنند. پس بخش اقتصادی تعیین کننده است»...

... کودکان کار، به‌ویژه کودکان کار و خیابان عموماً دارای خانواده هستند و وقتی واحدها و مددکارهای شهرداری آنها را جمع می‌کنند، منتقل‌شان می‌کنند به مراکز بهزیستی، ولی مراکز بهزیستی اجازه نگهداری این کودکان را براساس نظر قاضی ندارند و مکلف هستند فرد را تحویل خانواده بدهند و چون خانواده به کار کودک احتیاج دارد، دوباره بچه به خیابان بازمی‌گردد. چون خانواده‌ها به شدت نیازمند و آسیب دیده هستند. خانواده‌هایی که فرزندان‌شان را به خیابان می‌فرستند باید ساماندهی بشوند. بنابراین آنچه باید اتفاق بیفتد برای ساماندهی کودکان کار و خیابان در اصل خانواده‌هایشان باید ساماندهی بشوند و مورد حمایت‌های ویژه قرار بگیرند. تا این خانواده‌ها با حداقل‌هایی تامین نشوند، این موضوع ادامه دارد.

بالغ بر ۹۰ درصد کودکان خیابانی که با آنها روبه‌رو هستیم دارای خانواده هستند. ناچاراً باید تحویل خانواده‌ها بشوند و خانواده‌ها هم نیازمند هستند در نتیجه این کودکان را وادار به کار می‌کنند، از تحصیل محروم می‌کنند از فرایندهای کودکان محروم‌شان می‌کنند و با اجبار و زور به خیابان می‌فرستندشان تا با پول به خانه بروند. وقتی با میزان پولی که تعیین کرده‌اند به خانه بازنگردند، با ضرب و شتم روبه‌رو می‌شوند... آنچه که باید برای ساماندهی این کودکان صورت بگیرد باید از ساماندهی خانواده‌هایشان آغاز شود. آمار کودکان کار در استان تهران ۱۴٫۳ درصد، سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی ۶٫۹ درصد، خوزستان ۶٫۴ درصد، هرمزگان ۵٫۸ و قم ۵٫۷ درصد است. براساس مطالعات انجام شده، حدود ۳۰ درصد از کودکان خیابانی را افرادی تشکیل می‌دهند که به مدرسه نمی‌روند به همین دلیل با توجه به ضرورت تحصیل کودکان در مدرسه به نظر می‌رسد سیستم آموزشی برای جذب این گروه از کودکان لازم است انعطاف بیشتری در برنامه‌های آموزشی خود داشته باشد... رشد فقر در کودکان کار و خیابان از سال ۸۴ تا ۸۸ روند صعودی داشته است. این فعال حقوق کودک با اشاره به خشونت‌هایی که علیه این بچه‌ها اعمال می‌شود، اعلام کرده مسئله کار کودکان به نوبه خود خشونت‌آمیز است که علیه کودکان کار و خیابان اعمال می‌شود. بیش از ۳۲ درصد کودکان کار مورد آزار جسمی، روحی و جنسی قرار می‌گیرند... ۷۲ درصد این کودکان بیسواد و کم‌سواد هستند یا در حد ابتدایی سواد دارند و ۱۷ درصد کودکان کار و خیابان در تهران اصلاً مدرسه نرفته‌اند و این بیسوادی و کم‌سوادی در فرایند زندگی این افراد تأثیر سوء دارد.

آمار کودکان کار در استان تهران ۱۴٫۳ درصد، سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی ۶٫۹ درصد، خوزستان ۶٫۴ درصد، هرمزگان ۵٫۸ و قم ۵٫۷ درصد است.